

## خلاقیت فردی ره گشای کار آفرینی

دکتر اسدا... مهرآرا

استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر  
*mehrara\_a@yahoo.com*

مراد خوشدل مفیدی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی (مدیریت منابع انسانی) دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر  
*Moradpower@gmail.com*

### چکیده:

با پیشرفت روز افزون دانش تکنولوژی و جریان گسترده اطلاعات، امروزه جامعه ما نیازمند آموزش مهارتهایی است که با کمک آن بتواند همگام با توسعه علم و فناوری به پیش برود هدف باید پرورش انسانهایی باشند که بتوانند با مغزی خلاق با مشکلات روبرو شده و به حل آن بپردازند به گونه‌ای که انسان‌ها بتوانند به خوبی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و با بهره‌گیری از دانش جمعی و تولید افکار نو مشکلات را از میان بردارند. امروزه مردم نیازمند تقویت خلاقیت هستند تا با خلق افکار نو به سوی یک جامعه سعادت‌مند قدم بردارند.

کلمات کلیدی: کارآفرینی - خلاقیت - نوآوری.

## INDIVIDUAL CREATIVITY IS THE KEY TO ENTREPRENEURSHIP

**Dr. Asadolah Mehrara<sup>1</sup>**

*Assistant Professor, Department of Public Management, Islamic Azad University (IAU)  
Qaemshahr, Iran.*

**\*Corresponding Author: Morad Khoshdel Mofidi<sup>2</sup>**

*The public administration Ph.d.student (human resource administration) in Azad University of  
Qaemshahr branch-Qaemshahr, Iran.*

### **Abstract:**

Make it so that people can communicate well with each other and enjoying the collective knowledge and generate new thoughts to eliminate problems. Today, people are in need of strengthening creativity to create new ideas toward a prosperous society walk.

**Keywords:** entrepreneurship, creativity, innovation

## 1. مقدمه

رشد فزاینده اطلاعات سبب شده است که هر انسانی که تجربه و علم و دانش برخورد باشد که دیگری فرصت کسب آنها را نداشته باشد لذا در دنیای امروز به جریان انداختن اطلاعات حاوی علم و دانش و تجربه در بین انسانها یکی از رمزهای موفقیت است. هیچ کس قادر نیست به میزان اطلاعات واقعی هر کس که در گوشه ذهن او نهفته است پی ببرد. این اطلاعات زمانی به حرکت در می آید که انگیزه ای قوی سبب رها شدن آن به بیرون ذهن می شود. در این مرحله انسانها به سرنوشت یکدیگر حساسند در جهت رشد یکدیگر می کوشند و در نهایت سبب جریان از علم و دانش و تجربه میان آنها جاری می شود که همین امر زمینه ساز خلاقیت خواهد بود.

## 2. تاریخچه و سیر تحول

خلاقیت یکی از ویژگیهای برتر آدمی است و در عصر حاضر یکی از مهمترین اهداف عالی است "پرورش یادگیرندگان خلاق و نوآور"، آموزش و پرورش مترقی و پیشرفته جهان از آنجا که تمدن بشر نتیجه خلاقیتها و نوآوریهای انسان است، آموزش خلاقیت از اهمیت و ارزش بسیار بالایی برخوردار است. توان مغزی انسان او را از استعداد بالقوه خلق و ابتکار برخوردار ساخته، و به یاری همین استعداد است که اتومبیل، هواپیما، وسایل ارتباطی، رایانه، ماهواره، و غیره ساخته شده اند. به کمک استعداد خلاق است که به غنا، مفهوم، و نشاط می رسیم و اسبابی فراهم می کنیم تا از شدت رنجها و خطرهای زندگی بکاهیم (عسگری، 1386). خلاقیت در گذشته پدیده ای مترادف با نبوغ تلقی می شد. بنابراین هر جا سخن از خلاقیت به میان می آمد بلافاصله معنای نبوغ به ذهن خطور می کرد. این تعبیر، تاریخی قدمتی دو هزار ساله دارد. در تاریخ یونانیان باستان، نبوغ معنایی افسانه ای داشت بدین ترتیب تعریفی روشن از آن دیده نمی شد. به روایتی یونانیان واژه ای به نام شیطان را پذیرفته بودند که مترادف با نبوغ بود. به نظر یونانیان، شیطان یک روح ننگهبان بود که با حلول به روح و بدن افراد، آنان را صاحب تواناییهای خارق العاده و شور و شوق می ساخت. در حقیقت در ادبیات یونان، نابغه فردی بود که گرایش درونگرایانه داشت و بیشتر به تنهایی و خلوت راغب بود تا علاقه و تمایل به مردم. البته شاید همین عامل باعث شده بود که یونانیان نبوغ را مترادف با شیدایی تصور کنند. در همین رابطه، ارسطو اعتقاد داشت که نبوغ همراه با دیوانگی است و بدون آن معنایی ندارد. او دیوانگی را یک روح نازله از ناحیه خداوند می دانست (پیرخانفی، 1388).

البته درست است تحقیق در مورد خلاقیت و عناصر تشکیل دهنده آن پیش از 1 قرن پیش توسط دانشمندان علوم اجتماعی شروع شد ولی انگیزه اساس برای پژوهش بیشتر در سال 1950 توسط گیلفورد<sup>1</sup> خلاقیت را با تفکر واگرا (دست یافتن برای رهبافت های جدید برای حل مسائل) در مقابل تفکر همگرا (دست یافتن به پاسخ صحیح) مترادف می دانست. (محمودی و حبیبی، 1390)

ریهامر و برولین<sup>2</sup> (1999) در نگاهی تحلیلی به این موضوع معتقدند که خلاقیت از سال 1950 تا 1999 سه روند عمده را پشت سر گذاشته است. جریان اول به مطالعه شخصیت مربوط است آنان معتقدند که تحقیقات خلاقیت در سالهای 1950 عمدتاً مبتنی بر شخصیت افراد خلاق بوده است طی این مدت بررسی ویژگی ها و صفات شخصیتی افراد خلاق موضوع اکثر پژوهشهای خلاقیت گردید. جریان دوم به مطالعه شناخت مربوط است و در جریان دوم مطالعه درباره ویژگیهای ادراکی، فکری و هوشمندانه افراد خلاق موضوعیت پیدا کرد. با این حال یک تحولات عمده ای که در این مرحله پدید آمد تغییر یافتن رویکرد روان سنجی خلاقیت نظیر آنچه تورنس<sup>3</sup> در سالهای 1960 و 1970 مطرح کرده بود به سوی تحقیقاتی است که منجر به آگاهی از ذهن خلاق برحسب توانایی های هوشمندانه و شناختی شده و در جریان سوم به آموزش و تحریک خلاقیت بطور جدی پرداخته شد. تحقیقات انجام شده طی سالهای 1980 و 1990 پای دیدگاه روانشناسی اجتماعی خلاقیت دارد. آمابیلی<sup>4</sup> (1983) مدع این دیدگاه و یکی از صاحب نظران این حوزه معتقد است که خلاقیت با ساختارهای اجتماعی ارتباط قوی دارد. این نگاه موجب گردید تا در فرآیند جهان سازی خلاقیت نقش ویژه ای برای سازمان ها و رفتارهای فرهنگی آنان در نظر گرفته شود پریالتسکی<sup>5</sup> (2006) و دولان متکالفه<sup>6</sup> (2008) در همین ارتباط معتقد این رویداد باعث گردید تا خلاقیت در سازمان جای باز کند و نه فقط منجر به افزایش سود، تولید و تجارت شود بلکه سطح تعهد کارکنان نیز ارتقاء دهد. در واقع پژوهشهای روانشناسی اجتماعی خلاقیت سازمانهای مدرن را وارد نمود. تا به سوی رشد و ترغیب خلاقیت و ایجاد فرهنگ

1. Guilford
2. Ryhammar and Borlin
3. Torrance
4. Amabile
5. Prilietensky
6. Dolan and Metcalfe

سازمانی متناسب با خلاقیت حرکت کنند. همپا، با این جریان اجتماعی خلاقیت نظام‌ها، آموزش عالی در اکثر کشورها، جهان نیز بعنوان سازمان‌های اثر گذار حرکت کردند و تاحدی جلو رفته که نقش و اهمیت تولید دانش (خلاقیت علمی) را بعنوان نقش کارکردی متمایز برای خود پذیرفتند (پیرخائفی و محمدزاده، 1389).

تورنس (1988)، فولی و پارک<sup>۱</sup> (2005) رانکو<sup>۲</sup> (2007) استرنبرگ و لوبارت<sup>۳</sup> (1996) هم معتقد به یک الگوی سرمایه گذاری هستند که در آن خلاقیت دارای شش نوع منبع است:  
هوش، دانش، سبک شناختی، انگیزش، شخصیت و بافت محیطی (پیرخائفی و محمدزاده، 1389)

### 3. ابعاد خلاقیت

محققین چندین جنبه از تفکر خلاق را مشخص کردند این لیست نمی تواند لیست کاملی باشد اما ابعاد خلاقیت در آن مشخص است و محققان توجه بسیاری به آن داشته اند (Waltan, 2003).

تفکر واگرا (منشعب)

نگرش و علائق

رفتارهای شخصیتی

مشخصات شخصیتی

انجام کار خلاقانه

### 4. تعریف خلاقیت

تورنس<sup>۴</sup> (1962) که از پیشگامان محیط گرایی شناخته می‌شود، تفکر خلاق را فرایند احساس خلاءها و اختلال‌ها، عناصر غایب، شکل شکل دهی ایده‌ها و فرضیه‌هایی درباره‌ی آنها، آزمودن این فرضیه‌ها، برآورد نتیجه‌ها، تعبیر و آزمودن دوباره‌ی این فرضیه‌ها می‌داند. راجرز<sup>۵</sup> (1954) به عنوان یک نظریه پرداز مکتب انسان گرایی بر این باور است که مفهوم خلاقیت را تنها در زمینه‌ی آثار هنری و رویدادها رویدادها یا پدیده‌ای قابل دیدن می‌توان به کار برد. به باور وی خلاقیت در نهایت باعث شکوفایی آدمی می‌شود و راجرز آن را هدف نهایی پیشرفت هر انسانی می‌پندارد. مزلو<sup>۶</sup> (1968) به عنوان یک انسان‌گرا خلاقیت را نیروی بالقوه‌ای می‌داند که از آغاز زندگی به همه همه یا بیشتر افراد هدیه شده است و در جریان رشد همراه با فرهنگ پذیری افراد این توانایی رفته رفته کم رنگ و یا بروز آن مهار می‌شود (طباطباییان، 1383). بر طبق تحقیقات مازلو (1954) توانایی خلاقیت چیزی است که هر فردی آن را در اختیار دارد پس می‌تواند آن را گسترش داده یا سرکوب کند. آمبیل اجزای خلاقیت را اینگونه بیان کرد: تجربه، مهارت‌های تفکر خلاق و انگیزه، در حالی که در تحقیقات مختلف تفاوت‌هایی وجود دارد، طبقه بندی‌های خلاق به ماهیت آنها نیز توجه شود. فردی، گروهی و سازمانی، در این تحقیق خلاقیت می‌بایستی بعنوان تعریف مشکل و ایجاد ایده جدید مورد استفاده قرار گیرد (Sarri et al, 2010).

محققان بسیاری به این نکته اشاره کردند، که انگیزه یک پیش شرط اساسی برای فعالیت خلاق است. اگرچه نیروی انگیزش ممکن است از یک فعالیت خلاق به فعالیت دیگری متفاوت باشد. گیلفورد (1962) پیشنهاد کرد که تمام فعالیت‌های خلاق به شکل انگیزش بروز نمی‌یابد. ولی می‌تواند به طور گسترده به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم شود. این تمایز و دسته بندی توسط آمبیل (1996) مورد تأکید قرار گرفت (Waltan, 2003). در طول دهه‌های گذشته تئوریسین‌های کسب و کار، خلاقیت را به عنوان توسعه ایده در مورد محصولات، فعالیت‌ها، خدمات و رویه‌های جدید تعریف کردند که برای سازمان مفید است (Sarri et al, 2010).

خلاقیت واژه‌ای عربی است که ریشه آن خلق به معنی آفریدن است. در لغت نامه دهخدا خلاقیت خلق کردن و به وجود آوردن است و خلاق، شخصی است که دارای عقاید نو باشد. دانشمندان خلاقیت را با تعابیر متعدد و متنوعی تعریف کرده‌اند به طوری که گاهی هر تعریف فقط بیانگر یک بعد از ابعاد مهم فراگیر خلاقیت است؛ برای مثال هربرت فوکن، معتقد است که «فراگرد خلاقیت عبارت است از هر

1. Folley & Park
2. Runco
3. Sternberg & Lubart
4. Torrance
5. Rogers
6. Maslow

نوع فراگرد تفکری که مسئله ای را به طور مفید حل کند». همچنین جرج سیدل «توانایی ربط دادن و وصل کردن موضوعات صرفنظر از اینکه در چه حوزه یا زمینه ای انجام گیرد از مبانی بهره گیری خلاق از ذهن است». اریک فروم نیز معتقد است که خلاقیت، توانایی دیدن (آگاه شدن) و پاسخ دادن است. با وجود این، خلاقیت بیشتر جنبه شخصی و شهودی دارد، درحالیکه حل مسأله بیشتر بر واقعیات استوار است و دارای هدفی عینی و بیرونی است. استیفن رابینز (1994) خلاقیت را به معنای افکار به شیوه ای بی نظیر یا ایجاد ارتباط غیر معمول بین نظرات تعریف کرده است. از نظر هیچینز خلاقیت عبارت است از فراهم ساختن اندیشه ها و روشهای تازه در برخورد با مسائل و فعالیتهای آنها. از نظر مورهد خلاقیت فرایند تکامل بخشیدن به دیدگاههای بدیع و تخیلی درباره موقعیت های مختلف نیز تعریف شده است. خلاقیت از نظر مرقمی عبارت است از توانایی تلفیق ایده ها به شیوه ای منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیر معمول بین ایده های مختلف (محبوبی و توره، 1387).

ویتینگ<sup>1</sup> و ویلیامز<sup>2</sup> (1984) در این زمینه اظهار میدارند خلاقیت مستلزم حل کردن مسائلی است، اما افراد خلاق پیش از آن که مسائل را حل کنند آنها می آفرینند یا بر پیچیدگی آنها می افزایند. تورنس (1962، 1966، 1998) در تعریف پژوهشی خود از خلاقیت، فرایندهایی از قبیل فرایند حس کردن مشکلات، شکاف در اطلاعات، عناصر گم شده، چیزهای ناجور، حدس زدن و فرضیه سازی درباره این نواقص، و ارزیابی و آزمودن این حدسها و فرضیه ها، تجدید نظر کردن و دوباره آزمودن آنها، و بالاخره انتقال نتایج را ذکر کرده و در تعریف وابسته به بقاء، خلاقیت را کنار آمدن فرد با موقعیتهای دشوار تعریف کرده است. (عسگری، 1386)

خلاقیت: ارائه خلاقیت، خلق ایده های جدیدی است که امکان دارد به محصولات یا خدمات جدید منجر شوند (صبایان و همکاران، 1384).

خلاقیت عبارت است از به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا یک مفهوم جدید دانسته است (محبوبی و توره، 1387).

خلاقیت یعنی تلاش برای ایجاد یک تغییر هدفدار در توان اجتماعی یا اقتصادی سازمان (دهقانی، 1387).

خلاقیت به کارگیری توانایی های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است (دهقانی، 1387).

خلاقیت عبارت است از طی کردن راهی تازه یا پیمودن یک راه طی شده قبلی به طرز جدید (دهقانی، 1387).

کارل روگر (1954) بر این باور بود که باید یک چیز قابل مشاهده، محصولی از خلاقیت، وجود داشته باشد تا به روی دادن خلاقیت پی ببریم او همچنین معتقد بود که محصول باید یک ساختار نو نشان فردی را داشته باشد که آن را خلق کرده است (اعظمی و دیگران، 1387).

در یک تعریف مکمل از خلاقیت، سیدنی پارتز (1972) به سه S خلاقیت توجه می کند: حساسیت<sup>3</sup> غیر مترقبه بودن<sup>4</sup> و هم افزایی داشتن<sup>5</sup> در تعریف اوحساسیت می تواند دو معنی داشته باشد. آگاهی افزایش یافته از ویژگی های عجیب زندگی تناقضات، ناپیوستگی ها و ناهمخوانی افراد، اشیاء و ایده ها که بخش اساسی جهانی هستند که ما در آن زندگی می کنیم و نیز به معنای آگاهی افزایش یافته از فرآیندهایی که شامل تعاملات فردی و اجتماعی بین ما و دیگران می شود. غیر مترقبه بودن به عنوان داشتن خوش شانسی در یافتن چیزی تعریف می شود. هم افزایی هم به این معناست که هرگاه بازده مجموع چند نفر از افراد ماشین ها و چیزها منتهی به نتایجی بیش از نتایج تک تک آنها شود هم افزایی روی می دهد. (اعظمی و دیگران، 1387)

معمولاً حساسیت بیش از دو عامل دیگر در ایجاد خلاقیت مؤثر است. این مورد بیشتر به شیوه ای که اشیاء هستند توجه می کند و توجه به این موضوع احتمال داشتن ایده های مساعد را افزایش می دهد. تعریف نهایی این محقق درباره خلاقیت با استفاده از سه مفهومی که مطرح کرده است به این شرح است: خلاقیت توانایی ایجاد ارتباط بین موضوعات ظاهراً بی ارتباط و نامربوط است. (اعظمی و دیگران، 1387)

در مورد واژه خلاقیت تعاریف گوناگون دیگر نیز ارائه شده است که از آن جمله می توان به این موارد اشاره نمود:

به عنوان مثال رابینز در تعریفی دیگر -خلاقیت به معنای توانایی ترکیب عقاید و نظرات مختلف و ترسیم فرایند آن ها می داند. خلاقیت از نظر وی در واقع شیوه اندیشیدن درباره مسئله به روش های گوناگون است. کریتنر در تعریفی دیگر، خلاقیت را چنین تعریف نمود:

1. Witting
2. Williams
3. Sensitivity
4. Serendipity
5. Peculiarity

خلاقیت فرایندی است که از هوش، قوه تصور و مهارت جهت ایجاد و یا توسعه یک محصول، هدف، فرایند یا ایده جدید استفاده می کند. (چیت ساریان، 1388)

### 5. تفاوت خلاقیت و نوآوری

برخی از اندیشمندان و نویسندگان بین خلاقیت و نوآوری تمایز قائل شده اند؛ برای مثال "کونتز" نوآوری را به کارگیری ایده های نوین ناشی از خلاقیت معرفی کرده و معتقد است که نوآوری می تواند محصولی جدید، خدمتی جدید یا راهی جدید برای انجام کاری باشد؛ در حالیکه خلاقیت، توانایی و قدرت ایجاد فکر یا ایده جدید و بدیع است. آلبرشیت خلاقیت و نوآوری و وجه تمایز آن ها را به این صورت مطرح کرده است

که خلاقیت، فعالیت ذهنی و عقلایی برای به وجود آوردن ایده جدید و بدیع است. حال آنکه نوآوری، تبدیل خلاقیت به عمل یا نتیجه است "او نوآوری را عملیات و مراحل مورد نیاز برای نتیجه گیری یک فکر بکر و واقعیت جدید می داند. از این دیدگاه شخص خلاق ممکن است نوآور نباشد؛ یعنی می تواند دارای ایده های جدید و نو باشد ولی توانایی تبدیل آن ها به نوآوری را نداشته باشد. از این رو فرد نوآور بیشتر اوقات خلاق است ولی همه افراد خلاق، نوآور نیستند (عربشاهی و همکاران، 1388).

### 6. عوامل مؤثر در بروز خلاقیت

روبرت جی استرنبرگ و لیندا اوهارا در بررسی های خود شش عامل زیر را در خلاقیت افراد مؤثر دانسته اند: (عربشاهی و همکاران، 1388)

1. دانش: داشتن دانش پایه در زمینه ای محدود و کسب تجربه و تخصص در سالیان متمادی.
  2. توانایی عقلانی: توانایی ارائه ایده خلاق از طریق تعریف مجدد و برقراری ارتباط جدید در مسایل.
  3. سبک فکری: افراد خلاق عموماً در مقابل روش ارائه شده از طرف سازمان و مدیریت ارشد، سبک فکری ابداعی را بر می گزینند.
  4. انگیزش: افراد خلاق عموماً برای به فعل در آوردن ایده های خود برانگیخته می شوند.
  5. شخصیت: افراد خلاق عموماً دارای ویژگی های شخصی مانند مصر بودن، مقاوم بودن در مقابل فشارهای بیرونی و داخلی و نیز مقاوم بودن در مقابل وسوسه، هم رنگ جماعت شدن هستند.
  6. محیط: افراد خلاق عموماً در داخل محیط های حمایتی بیشتر امکان ظهور دارند.
- این محققان مشخص کردند که عمده ترین دلیل نا کارایی برنامه آموزش خلاقیت تأکید صرف این برنامه ها بر تفکر خلاق به عنوان یکی از شش منبع مؤثر در خلاقیت است. جای که سایر عوامل نیز تأثیر بسزایی در موفقیت و شکست برنامه های آموزش خلاقیت ایفا می کنند. "جورج اف. نلر" در کتاب "هنر و علم خلاقیت" برای خلاقیت مراحل چهارگانه: آمادگی، نهفتگی، و اثبات را ذکر کرده است. از این دید افراد خلاق ابتدا با مسئله یا یک فرصت آشنا شده و سپس از طریق جمع آوری اطلاعات با مسئله یا فرصت مورد نظر درگیر می شوند. در مرحله بعد افراد خلاق روی مسئله تمرکز می کنند (عربشاهی و همکاران، 1388).

### 7. ویژگیهای افراد خلاق

ویژگی های فرد خلاق به طور کلی از تعاریف خلاقیت چنین برمی آید که خلاقیت یک توانایی عمومی است، در همه افراد کم و بیش وجود دارد، و دارای ویژگیهای زیر است: (عسگری، 1386)

- 1- توانایی دیدن پدیده ها به شیوه ای نو .
- 2- آموختن از تجارب قبلی و انتقال این آموخته ها به موقعیتهای تازه.
- 3- انعطاف پذیری در تفکر و شکستن محدودیتهای آن.
- 4- استفاده از روشهای نو برای حل مسائل.
- 5- آفریدن چیزی منحصر به فرد یا اصیل.
- 6- فرایندی فکری و روانشناختی است.
- 7- محصول خلاقیت میتواند به شکل یک اثر، یک ایده، یک راه حل، یک اندیشه، یک شیئی، و یا به هر صورت دیگری بروز کند .
- 8- محصول خلاقیت، پدیده های نو، بدیع، تازه، و دارای ارزش است. (عسگری، 1386)

روانشناسان سعی داشته اند تا مشخصات افرادی را که دارای سطح بالایی از خلاقیت هستند، مشخص کنند، "استیز" عوامل زیر را برای افراد خلاق بیان داشته است: (دهقانی، 1387).

1. سلامت روانی و ادراکی: توانایی ایجاد تعداد زیادی ایده به طور سریع.
  2. انعطاف پذیری ادراک: توانایی دست کشیدن از یک قاعده و چارچوب ذهنی.
  3. ابتکار: توانایی در ایجاد و ارائه پیشنهاد های جدید.
  4. ترجیح دادن پیچیدگی نسبت به سادگی: توجه کردن و در نظر گرفتن چالشهای جدید ومسائل پیچیده.
  5. استقلال رأی و داوری: متفاوت بودن از همکاران در ارائه نظرات و اندیشه نو (دهقانی، 1387).
- عده ای دیگر ویژگی های افراد خلاق را به صورت زیر دسته بندی می کنند:
- خصوصیات ذهنی، کنجکاو، دادن ایده های زیاد درباره یک مسئله، ارائه ایده های غیر عادی، توجه جدی به جزئیات، دقت و حساسیت نسبت به محیط به خصوص به نکاتی که در نظر دیگران عادی به شمار می روند، روحیه انتقادی، علاقه وافر به آزمایش کردن و تجربه، نگرش مثبت نسبت به نوآوری، خصوصیات عاطفی، آرامش و آسودگی خیال، شوخ طبعی، علاقه به سادگی و بی تکلفی در نوع لباس و جنبه های گوناگون زندگی، دلگرمی و امید به آینده، توانایی برقراری ارتباط عمیق و صمیمانه با دیگران، اعتماد به نفس و احترام به خود، شهامت خصوصیات اجتماعی، پیش قدمی در قبول و رویارویی با مسائل، مسئولیت پذیری و توانایی سازمان دادن به فعالیتهای گوناگون و قدرت جلب حس اعتماد و اطمینان دیگران (دهقانی، 1387).

#### 8. بستر های مورد نیاز جهت گسترش خلاقیت

- یکی از اصلی ترین راههای تقویت خلاقیت توصیه هایی برای شکل گیری شخصیت خلاقانه افراد است:
1. استقبال از شوخ طبعی و طنز پرداز بودن آنها
  2. تقویت انگیزه روحیه ایده پردازی و استقبال از آن توسط مدیریت
  3. تقویت حس کنجکاو و جستجوگری افراد
  4. تلاش در جهت باز گذاشتن فکر افراد و جلوگیری از ایجاد آشفتنگی فکری برای آنها
  5. همراهی با آنان در ابراز و بیان ایده ها و تایید و تشویق آنان به ادامه فعالیتهای خلاقانه
  6. دادن استقلال بیشتر به آنها در محیط کار و همچنین در نظر گرفتن زمان آزادی برای آنها
  7. مشخص کردن دقیق اهداف کارکنان (رسولی، 1389).
- ضمناً این راه ها نیز برای زنده کردن خلاقیت پیشنهاد می گردد (اعظمی و همکاران، 1387).
- از هر ایده ای استقبال کنید، بدون توجه به این که چقدر ایده خوبی است. هر چه باشد، باعث جرقه خوردن ایده های دیگری در ذهن شما یا دیگری می شود.
- از انتقاد سریع از ایده ها بپرهیزید. همواره از فهم درست ایده ی دیگران مطمئن شوید.
- به یاد داشته باشید که همواره به اندازه ای دانش و تجربه دارید که بتواند در حل مسئله به شما کمک کند.
- از شوخی کردن و رفتار بچه گانه نترسید رفتاری مثل آرزو کردن، تخیل داشتن، ذهن بازی گوش داشتن و...
- فراموش نکنید که دیگران مسائل و مشکلات را به شیوه ای متفاوت از شما درک می کنند. این را به عنوان یک مزیت در نظر بگیرید.
- این که می توانید به مسائل از زاویه دیگری نگاه کنید.
- همیشه یک اشتباه یا شکست را به عنوان فرصتی برای آموختن ببینید نه به عنوان خطا. اگر آن را فراموش کنید همواره امکان تکرار شدنش وجود خواهد داشت (اعظمی و همکاران، 1387).

#### 9. موانع خلاقیت

تقسیمات بسیاری برای موانع شناخته شده خلاقیت ارائه شده است. از میان آنها مابه تقسیمی که چهار طبقه عمده را برای این موانع بیان کرده است می پردازیم: (اعظمی و همکاران، 1387)

• **موانع راهبردی (استراتژیک):** تنها به دنبال یک جواب درست گشتن، یعنی عدم انعطاف در تفکر یکی از عواملی است که از تفکر خلاق جلوگیری می کند. تمایل به اتکای کامل بر تجربیات گذشته و تکنیک های مشخص بدون تمایل به تغییر آنها، تمرکز بر یک طیف باریک از گزینه ها برای تعریف مسئله یا حل مسئله، موانعی هستند که از پدیدار شدن احساس کنجکاوی، تخیل و حس طنز جلوگیری می کند (همان منبع، همان صفحه).

• **موانع ارزشی:** تحت تأثیر شدید قرار گرفتن توسط ارزش های فردی راه را بر شکوفا شدن ایده های نو می بندد و طیف گزین ههای پیش رو را محدود می کند. (اعظمی و همکاران، 1387)

• **موانع مفهومی:** تمرکز بسیار زیاد بر علایق و تمایلات. به دلیل فقدان آگاهی احساسی در سطح فیزیکی رخ می دهد و باعث عدم آگاهی از وضعیت جهان واقعی می شود.

• **تصورات شخصی:** اثربخشی کم به دلیل ترس از شکست، کم رویی در بیان ایده ها... اینها از فقدان اعتماد به نفس پدیدار می شوند. افراد از جستجوی بی میل می شوند و به بیان احساسات شخصی شان می پردازند. این موانع یکی از بزرگترین تنگنانهایی هستند که بر سر اجرای موفقیت آمیز ایده های جدید وجود دارند.

با توجه به طبقه بندی های بالا، تقسیم بندی های دیگری هم از طرف محققین انجام شده است که با توجه به محدودیت صفحات که همین الان هم خیلی از آن فراتر رفته ایم بدون توضیح، تنها از آنها نام می بریم:

• **موانع ادراکی:** کلیشه سازی، دشواری در جدا کردن مسئله، چشم انداز تونلی، عدم توانایی در درک شرایط مسئله از زاویه دیگر، ناکامی در استفاده از تمام حس ها به طور مؤثر.

• **موانع احساسی:** اشتیاق و سواس گونه به ایمنی و نظم، ترس از اشتباه کردن، عدم تمایل به ریسک کردن، فقدان انگیزه، ناتوانی در انعکاس ایده ها، تلاش برای حل بسیار سریع مسائل، تمایل برای قضاوت، فقدان تخیل.

• **موانع فرهنگی:** احساس این که حل مسئله یک کار بسیار جدی است، باور به این که سرگرمی و کنجکاوی فقط مختص بچه هاست، باور به این که منطق بهتر از ابتکار است، اعتقاد به این که سنت بهتر از تغییرات است، تابوها، تابوهای سازمانی، سبک مدیریت و رهبری، فقدان حمایت گروهی، بی میلی برای اجرای ایده ها.

• **موانع محیطی:** بی گمانی، یکنواختی و بی تنوعی، ناراحتی بدنی و ذهنی، فقدان ارتباطات.

• **موانع هوشی و بیانی:** انتخاب نادرست زبان حل مسئله، استفاده غیرمنعطف یاناکافی از راهبرد ها و مهارت های حل مسئله، فقدان اطلاعات صحیح، معانی ناکافی یا نادرست بیانی. (اعظمی و همکاران، 1387)

عده ای دیگر از محققان موانع خلاقیت را به شیوه ای دیگر دسته بندی می کنند. موانع معمولاً زمانی مملوس می شوند که قدرت نیروهای پیش برنده نسبت به نیروهای بازدارنده کاهش یابد. در مباحث اجتماعی و انسانی به ندرت می توان ریشه موانع را به مورد خاصی منتسب دانست و عمدتاً حاصل علل و اسبابی است که تفکیک آنها مثل علوم طبیعی به راحتی مقدور نیست. ( فدایی کیوانی و نساج حسینی، 1388).

## 10. فرایند خلاقیت نوآوری کارآفرینی

فرایند شکل گیری راه حل های خلاق و گام هایی که در این فرایند برداشته می شود فرایند خلاقیت می باشد. الگوی جالبی خلاقیت شامل چهار مرحله اساسی عرضه مسئله، آمادگی، ایجاد پاسخ و اثبات پاسخ است. در مرحله اول انگیزه تأثیر مهمی دارد چرا که برای شروع فرایند خلاق وجود انگیزه ضروری است و در مرحله دوم آمادگی برای پاسخ به راه حل است. بررسی، جستجو، مطالعه و جمع آوری مدارک در خصوص موضوع انجام می پذیرد. به رغم باور عموم اطلاعات بیشتر موجب خلاقیت بیشتر نمی شود. بیشتر اوقات افرادی که تازه وارد یک رشته شده اند خیلی بیشتر از افرادی که مدت طولانی در آن زمینه تلاش کرده اند، کار خلاق عرضه می کنند. همانگونه که تحقیقات تجربی نشان می دهند دانش مهم نیست بلکه راه کسب آن مهم است<sup>1</sup>. در مرحله سوم جستجوی حافظه و محیط اطراف برای

---

1. اما این مسئله روی دیگری هم دارد: نیوتن جاذبه را به این دلیل کشف کرد که همیشه درباره آن فکر می کرد. انیشتین سال ها تلاش کرد تا رابطه حرکت مکانیکی را با پدیده الکترومغناطیس بفهمد. گائوس برای اثبات یک نظریه چهار سال تمام تلاش کرد تا راه حل را به صورت ناگهانی بفهمد. عموماً ریاضی دانان به ایده های خوب ریاضی توجه دارند، موسیقی دانان به ایده های خوب موسیقی، روانشناسان به روانشناسی و ... تفکر خلاق از زمینه و در رابطه با مشکلاتی پدیدار می شود که مادرباره آن بررسی زیادی انجام داده ایم.



ایجاد راه حل ممکن است که انگیزه و مهارت‌های خلاقیت در این مرحله مؤثر است. در مرحله چهارم که آزمایش پاسخ ممکن در مقابل اطلاعات و معیار های واقعی دیگر است. مهارت‌های مربوط به موضوع ضروری است که بتوان پاسخ ممکن را با مقیاس و اطلاعات موجود مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که آیا راه حل ممکن موفقیت آمیز بوده یا اینکه پاسخ مستدل نیست و امکان تولید وجود ندارد و راه کلاً به شکست انجامیده است یا اینکه راه حل توانسته ما را به هدف نزدیک کند (سید طاهر الدینی، 1387).

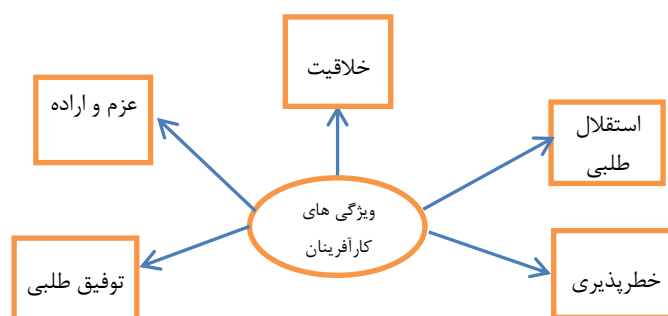
### 11. ارتباط خلاقیت با کارآفرینی

سازمانها و شرکتهای در برهه‌ای از زمان که تحت عناوین مختلف از جمله «عصر دانش»، «عصر فراصنعتی»، «عصر سرعت»، «عصر کارآفرینی» و بالاخره «عصر خلاقیت و نوآوری» مطرح شده است، خود را در جهت مدیریت تغییرات شتابان و دگرگونی های ژرف جهانی آماده میسازند. امروزه خلاقیت و نوآوری لازمه بقا و حفظ و ارتقای موقعیت سازمانها میباشد. در این مقطع حساس، جدالی برای احراز برتری های صنعتی، علمی و فنی شروع شده است و سازمانها و موسسات آینده نگر با رویارویی با این تحولات گسترده و فراگیر به جستجوی روشهای نوین پرداخته‌اند. سرعت تغییرات و تحولات از حد تصور فراتر رفته است. به گونه‌ای که خلاقیت و نوآوری به عنوان اصلی اساسی از عوامل مهم بقای سازمان است و نوآوری مهمترین منبع مزیت رقابتی محسوب می شود در چنین شرایطی، سازمان ها در صورتی میتوانند موفق باشند که از نیروی انسانی خلاق و نوآور و مهمتر از آن، از مدیرانی که بتوانند فضای خلاق و نوآور را در سازمان ایجاد کنند، برخوردار باشند (شاه حسینی، 1386)

دیوید مک کلند از استادان روانشناسی دانشگاه هاروارد آمریکا که اولین بار نظریه روانشناسی توسعه اقتصادی را مطرح نمود، معتقد است که عامل عقب ماندگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مربوط به عدم درک خلاقیت فردی است بنا بر عقیده ایشان با یک برنامه صحیح تعلیم و تربیت می توان روحیه کاری لازم را در جوامع تقویت نمود به گونه ای که شرایط لازم برای صنعتی شدن جوامع فراهم آید. مک کلند و همکارانش اهم ویژگی های را که در مورد کارآفرینان مورد بررسی و تأیید شده بودند را جمع آوری نمودند که اهم آن عبارتند از: 1. نیاز به موفقیت 2. تمایل به مخاطره پذیری 3. نیاز به استقلال 4. کارآفرینان دارای مرکز درونی هستند 5. خلاقیت 6. تحمل ابهام (زرینی و دهبانی، 1388).

کایربای<sup>1</sup> (2003)، هیسریچ<sup>2</sup> همکاران (2003)، دیکنزوفریل<sup>3</sup> (2002)، برنز<sup>4</sup> (2001)، کوراتکو<sup>5</sup> (1999) همگی از خلاقیت بعنوان یکی از ویژگی های کار آفرینان نام برده اند (زالی و همکاران، 1386).

بعنوان مثال تیمونز (1994)، با تجزیه و تحلیل بیش از 50 مطالعه ویژگیهای ششگانه ای برای کارآفرینان شناسایی کرد: (1) تعهد و تعیین گرابی، (2) رهبری، (3) فرصتگرایی، (4) تحمل ریسک و ابهام، (5) خلاقیت، خوداتکایی و توانایی انطباق پذیری، و (6) انگیزه بالا (زالی و همکاران، 1386).



اکنون یک تناقض برای ما پیش می آید: از یک طرف در اینجا می گوییم همانگونه که تحقیقات تجربی نشان می دهند دانش در خلاقیت مهم نیست، زیرا ما درباره چیزی که از آن اطلاع داریم دیگر تفکر نمی کنیم و از سوی دیگر دیدیم (در عوامل مؤثر خلاقیت) که دانش جزو اولین عامل مؤثر در بروز خلاقیت است و ایده جدید در زمینه ای که از آن شناختی نداریم به وجود نمی آید. این تناقض هنوز حل نشده است.

1. Kirby
2. Hisrich
3. Deakins and Freel
4. Burns
5. Kuratko

شکل شماره 1. مدل مفهومی ویژگی های پنجگانه کارآفرینان (زالی و همکاران، 1386)

از طرف دیگر خلاقیت را می توان مقدمه ای برای کار آفرینی قلمداد کرد. (رسولی، 1389). شومپیتر معتقد است که خلاقیت، روحی است که در کار آفرینی دمیده می شود و نوآوری فرآیند کارآفرینی است هم خلاقیت و هم نوآوری، از اجزای جدا نشدنی کارآفرینی اند. به عبارت دیگر ارتباط این سه عنصر، زنجیره های را تشکیل می دهد که آن را زنجیر کارآفرینی می گویند (مقیمی و احمدپور، 1389).



شکل شماره 2. زنجیره کارآفرینی (مقیمی و احمدپور، 1389).

هم نوآوری و هم خلاقیت از اجزای کارآفرینی هستند و به گفته پیتر دراگر وجود نوآوری در کارآفرینی به قدری ضروری است که می توان ادعا کرد، کارآفرینی بدون آن وجود ندارد و از خلاقیت نیز بدون نوآوری نتیجه حاصل نمی آید (صباغیان و همکاران 1383). کارآفرینان از میان ایده های ناشی از خلاقیت خود و دیگران و ترکیب آن با فرصت های بازار این ایده را با تلاش پی گیر و مستمر به یک فرصت کارآفرینانه تبدیل می کنند و با راه اندازی کسب و کار به آن عینیت می بخشد (سعیدی کیا، 1389). کارآفرینان از نظر زمینه های خانوادگی با افراد خلاق شباهت هایی دارند. پژوهش ها نشان داد افراد خلاق در خانواده هایی که برای استقلال و اعتماد به نفس کودکان ارزش و احترام قائلند، پرورش می یابند. در این خانواده ها به کودکان فرصت تمرین استقلال، خودباوری و ابتکار و سازندگی داده می شود. هم چنین معلوم شده است که نگرش های مبتنی بر خودکامگی، بازدارنده و مانع رشد و شکوفایی خلاقیتند. (محمدی و عسگری، 1390)

سولومون (1989) با بررسی 150 کارآفرین به این نتیجه رسید که انگیزه کارآفرینان در شروع به کار، تصمیم به خلق چیزهای نو، بدیع و متفاوت بود و سود اقتصادی انگیزه و محرک اولیه رفتار کارآفرینی نبود. در همین راستا شاین معتقد است که کارآفرینان واقعی مشاغل جدید را بیشتر به دلایل نوآوری و خلاقیت شروع می کنند تا انگیزه های اقتصادی. تحقیق شاور، ویلیامز و اسکات<sup>1</sup> نشان داد کسانی که فکر می کنند ویژگی های یک فرد کارآفرین را دارند، خلاقیت و انگیزه پیشرفت بیشتری را نشان می دهند. ریسال<sup>2</sup> در پژوهشی در کشور اندونزی مشاهده کرد که از جمله صفات مؤثر در انتخاب شغل و کارآفرینی خلاقیت و نوآوری است. کارلند و استوارت نیز اعتقاد دارند که ویژگی های کارآفرینان مجموعه ای از عوامل شخصیتی را دربرمی گیرد که عملکرد نوآورانه خلاق تنهایی از آنهاست. شاید از میان تمام ویژگی های کارآفرینی، انگیزه پیشرفت بیشترین سهم پژوهشی را به خود اختصاص داده باشد. این برداشت در ابتدا با کار مک کلند آغاز شد. سپس توسط محققان دیگر پیگیری شد. برای مثال سکستون و باومن<sup>3</sup> در بررسی های مختلفی که انجام دادند به این نتیجه رسیدند که با وجودی که در تحقیقات مختلف از ابزارهای متفاوت برای سنجش انگیزه پیشرفت استفاده شده، در مطالعات کارآفرینان موفق، انگیزه پیشرفت به صورت ثابت مشاهده شده است. آرشید در تحقیق دیگری دریافت که کارآفرینان موفق دارای منبع کنترل درونی اند، یعنی موفقیت خود را به عواملی چون تلاش، کوشش، خلاقیت و توانایی یهای فردی خود نسبت می دهند در پژوهشی دیگر پوستیگو<sup>4</sup> با بررسی و ارزیابی وضعیت موجود آموزش کارآفرینی دانشجویان در کشور آرژانتین بیان کرد که از نظر دانشجویان، مهم ترین دوره ها برای آموزش کارآفرینی، دوره های خلاقیت و نوآوری است. نتایج یکی از مطالعاتی که چندی پیش به بررسی رابطه فعالیت های کارآفرینانه با ویژگی های فردی پرداخته، نشان می دهد که بیش از نیمی از پاسخ دهندگان خلاقیت و نوآوری زیادی داشتند و حدود دو سوم آنها خلاقیت را پایه ای اساسی در کارآفرینی معرفی کردند. با این حال مصاحبه شوندگان مدعی بودند که به علت عدم آشنایی با روش های مدیریت خلاقیت، نتوانسته اند از توانایی های خود در محیط کار به درستی بهره گیرند. در نتایج تحقیق دیگری در زمینه نقش خلاقیت کارآفرینان در بقا و رشد سازمان ها نشان داد که کارآفرینان برای دستیابی به نیروی رقابتی پایدار برای سازمان، چاره ای جز استفاده بهینه از فعالیت های خلاقانه ندارند. نکته جالب در این تحقیق آن است که سازمان ها و افرادی که توجه بیشتری به خلاقیت

1. Shaver, Willams, Scott  
2. Rissal  
3. Sexton and Bowman  
4. Postigo

**Global Conference**  
on  
**New Horizons in  
Humanities, Future Studies  
and Empowerment**

2016 January 28

داشته اند، پیروی بیشتری نیاز از اخلاقیات در کسب و کار داشته اند که این مسئله تأثیر شگرفی در رضایتمندی مشتریان و رشد سازمان داشته است (فرید، 1388). برخی از پژوهشگران رکن اساسی کارآفرینی را خلاقیت می دانند. آنها معتقدند کارآفرینی رویکرد متمرکز فرصت های جدید است، نه یک رویکرد متمرکز بر ریسک (خانجانی، 1387). اغلب تحقیقات بر خلاقیت و راه حل های جدید به عنوان بخشی از فرآیند کارآفرینی تأکید دارند. محققان به این نتیجه رسیده اند که مهمترین بخش کارآفرینی نو و جدید بودن (ایده) آن است و می تواند بر فرآیند بازار تأثیر بگذارد. کار آفرینان باید با ایده های جدید در مورد کالاها و خدمات وارد بازار شوند (Yar Hamidi et al, 2008).

## 12. نتیجه گیری و پیشنهادات

موضوع کارآفرینی همیشه با خلاقیت و نوآوری عجین بوده، به طوری که دراکر معتقد است خلاقیت و کارآفرینی، آنچه‌ان لازم و ملزوم یکدیگرند که می‌توان گفت کارآفرینی بدون خلاقیت و نوآوری حاصلی ندارد. نتایج برخی از تحقیقات به این نکته اشاره دارند که کارآفرینان انتخاب مشاغل جدید یا تأسیس شرکت‌ها و مؤسسات را نه فقط به دلایل اقتصادی، بلکه اغلب به خاطر علت نوآوری و خلاقیتی که در مشاغل وجود دارد دنبال می‌کنند.

1. با شناسایی افراد با شخصیت پویا و منعطف نسبت به تغییرات محیطی و ایجاد بستری مناسب جهت ارائه ایده و نظرات و پرورش خلاقیت آنها می‌توان امیدوار بود که افراد نگرش مثبت‌تری به کارآفرینی داشته باشند. و همچنین با ایجاد جاذبه در کسب و کار کارآفرینان می‌توان انتظار داشت افراد قصد بیشتری جهت کارآفرینی داشته باشند
2. به افراد خلاق کلیه رشته‌ها آموزش‌های مبنی بر مزیت‌های کارآفرینی ارائه گردد. و اطلاعات مربوط به فرصت‌های موجود در کارآفرینی داده شود. ضمناً با بازدید افراد خلاق از کسب کارهای موفق و دعوت کارآفرینان موفق می‌توان تاثیر مثبتی بر نگرش و مقاصد کارآفرینان نهاد.

منابع:

- اعظمی، امیر، خواجه ثیان، داتیس، تولایی، روح ا... 1387، خلاقیت و راه‌های پرورش آن، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، 5(16)، صص 61-78
- پیرخانفی، علیرضا، محمد زاده علی، 1389، بررسی عوامل موثر در وضعیت خلاقیت در دانشگاه از دیدگاه اساتید و دانشجویان، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، 4(2)، صص 44-45
- پیرخانفی، علیرضا، 1388، پرورش خلاقیت، تهران، مدیریت آموزش کانون پرورش فکری (انتشارات رشد)
- چیت‌سازیان، علیرضا، 1388، خلاقیت بستری برای نوآوری و شکوفایی سازمان، فصلنامه علمی پژوهشی تخصصی هنر مدیریت، (7)، صص 3-7
- خانجانی، زینب، 1387، رابطه ویژگی‌های کم‌دامنه شخصیت با استعداد و عملکرد کارآفرینی دانشجویان دانشگاه تبریز، مطالعات روان‌شناختی، 4(1)، صص 47-69
- دهقان، عبدالسعید، (1387)، خلاقیت و مدیریت، نشریه بانک، صص 77-82
- رسولی، هاتف، 1389، ایجاد واحد خلاقیت راهکار تقویت خلاقیت و نوآوری و روحیه کارآفرینی در سازمانها، مدیریت، 21(155-156)، صص 33-37
- زالی، محمد رضا، مدهوشی، مهرداد، کرد نائیج، اسدا... 1386، ارزیابی مشخصه‌های کارآفرینی دانشجویان، فصل نامه مدرس علوم انسانی، صص 81-112
- زرینی، ابراهیم، دهبانی، رضوان، 1388، کارآفرینی، همدان، نور علم، (1)
- سعیدی کیا، مهدی، 1389، اصول و مبانی کارآفرینی، تهران، انتشارات کیا، (18)
- سید طاهر الدینی، علی، 1387، کارآفرینی خلاقیت نوآوری و سازمانهای آینده، فرهنگ آموزش، 4(10، 11)، صص 12-14
- شاه حسینی، علی، 1386، کارآفرینی، تهران، نشر آبیژن، (2)
- صبایگان، زهرا، احمد پور، محمود، عزیزی، محمد 1384، بررسی ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان، پیام مدیریت، (13 و 14)، صص 163-190
- طباطبایان، مریم، 1383، ساخت آزمونی برای سنجش نگرش مدرسین نسبت به خلاقیت. اندیشه و رفتار، 10(2)، صص 100-109
- عربشاهی، معصومه، رضائی، محبوبه، زارعی، ریحانه، 1388، نقش خلاقیت و نوآوری و موانع آن در آموزش عالی، هنر مدیریت فصلنامه علمی - پژوهشی - تخصصی گروه مدیریت دانشگاه امام رضا علیه السلام، (7)، صص 14-20
- عسگری، محمد، 1386، تأثیر آموزش خلاقیت بر میزان خلاقیت دانش آموزان، پژوهشهای روانشناختی، 10(3، 4)، صص 82-98
- فدایی کیوانی، رضا، نساج حسینی، سید محسن، 1388، کارآفرینی، رشت، نشر حق شناس، (2)
- فرید، داریوش، 1388، بررسی رابطه بین خلاقیت و کارآفرینی در بین مردان و زنان ورزشکار و غیر ورزشکار، مدیریت ورزش، (2)، صص 97-116
- مقیمی، سید محمد، احمد پور داریانی، محمود، 1389، مبانی کارآفرینی، تهران، (10)، فراندیش
- محمودی محمد، حبیبی روزبه، 1390، افراد و سازمان های خلاق و نوآور: الزام تحقیق کارآفرین در هزاره سوم، نشریه کارآفرین ناب، 3(20)، صص 13-19
- محبوبی، طاهره، توره، ناصر، 1387، آسیب شناسی خلاقیت و نوآوری در دانشگاه، دانشگاه آزاد اسلامی، 12(1)، صص 75-125
- محمدی، محمود، عسگری، غلامرضا، 1390، تأثیر شخصیت کارآفرینانه بر موفقیت کارآفرینانه در کسب و کارهای کوچک و متوسط، توسعه کارآفرینی، 4(13)، صص 129-148

Sarri, k Katerina. Ka, L. Bakouros, Petridou, Eugenia, (2010), *perspective on practice, Entrepreneur training for Creativity and Innovation*, Journal of European Industrial Training, 34(3), pp 270-288

Waltan, P. Andre, (2003), *The impact of Interpersonal Factorson Creativity*, International Journal of interpersonal Behavior & Research, 9(4), pp146-162